

«بتکار» آغاز دور دوم ریاست جمهوری مادورو

را در اوج فشارهای داخلی و خارجی بررسی می‌کند

## معلق در بحران



صفحه ۱۵

سر مقاله

محمدعلی وکیل



پیامد نبود هاشمی

دو سال از فقدان مرحوم آیت‌الله هاشمی می‌گذرد. در این دو سال اتفاقات زیادی رخ داده است. بحران‌های زیادی گریبان کشور را گرفته است و رها نمی‌کند. تصمیمات بزرگی نیاز هست و گرفته نمی‌شود و کسی پیش‌قدم در پذیرش مسئولیت و گرفتن تصمیم نمی‌شود. در تاریخ حیات نظام بسیاری از بحران‌های کشور با تدبیر هاشمی به همراه مقام معظم رهبری حل شد. همه می‌دانیم که تدبیر هاشمی تا چه‌سان بلند بود. ردپای او در تصمیمات مهم کشور در این چهارده به وضوح پیدا بود. اساساً بسیاری از تدابیر نظام در مقاطع حیاتی امضای او را دارد. اینها را همه می‌دانیم. ریاست محترم جمهوری نیز در مراسم سالگرد هاشمی به‌درستی به نقش ممتاز او در بسیاری از دستاوردهایی که امروز ضامن قدرت ملی ما است، اشاره کرد. نقش هاشمی به قدری ممتاز بود و نقشه‌هایش به قدری مدبرانه بود که نمی‌شود آن را انکار کرد. امروز بیش از همه به نقش هاشمی‌گونه احتیاج داریم. جای خالی او در کنار رهبری در بحران‌های پیش‌رو به شدت حس می‌شود. اما با این وجود من گمان نمی‌کنم که واقعاً کسی وجود نداشته باشد که بتواند به اندازه او تدبیر و هوش حل مسائل نداشته باشد. اما اینکه چرا بحران‌ها حل نمی‌شود حتماً علت دیگری دارد. عنصری در هاشمی حضور داشت که بیش از تدبیرش به کار آمد. آن عنصر «تصمیم» بود. هاشمی راحت تصمیم می‌گرفت. خود را در گردباد حوادث رها نمی‌کرد؛ در کوران بحران‌ها و حوادث، فعال و اهل تصمیم بود.

ادامه در صفحه ۲

معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد: روزنامه‌نگاران نگاه مچ‌گیری از مسئولان نداشته باشند

## خبرنگار یا روابط‌عمومی؟!

گروه فرهنگ - یکی از مهم‌ترین وظایف رسانه‌ها و به دنبال آن خبرنگاران؛ اطلاع‌رسانی و هوشیارسازی جامعه است. انتقاد بخشی جدانشدنی از وظایف یک خبرنگار به حساب می‌آید. اما گاهی برخی، از این انتقادها برداشت‌های دیگری می‌کنند. محمد سلطانی‌فر، معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفته است: «روزنامه‌نگاران به فکر مچ‌گیری از مسئولان نباشند!» اما آیا می‌توان انتقاد را با



«بتکار» از مراسم دومین سالگرد آیت‌الله هاشمی گزارش می‌دهد

## دو سال پس از کوچ شیخ‌اکبر

حسین روحانی؟ تا خیابان انقلاب هست هاشمی هست

صفحه ۲

# بتکار

شنبه ۲۲ آذر ۹۷ - ۵ جمادی الاول ۱۴۴۰ - سال نازدهم - شماره ۴۱۸۱ - ۱۶ صفحه - ۲۰۰۰ تومان



«بتکار» از بررسی طرح «کمیسئون ویژه زنان، جوانان و خانواده» در صحن گزارش می‌دهد

## حل مشکل ماده ۴۰ آیین‌نامه داخلی درباره یک طرح

صفحه ۴



رشد اقتصادی موجب افزایش انتشار کربن می‌شود

## محیط زیست

## در گرو رشد و رکود اقتصاد

صفحه ۱۶

## یادداشت

### نقدی بر خصوصی‌سازی

### یا تجاری‌سازی آموزش عالی کشور

محمدجوادسلطانی\*

سنگ بنای رشد و توسعه هر کشوری وجود نیروی انسانی ماهر تحصیل‌کرده است، از این رو توجه به نقش و فرآیند نظام آموزشی جزو سیاست‌های اصلی هر دولت و در واقع بخشی از اصلی‌ترین خدماتی است که هر دولت به شهروندان خود عرضه می‌کند. اینکه به فرآیند آموزش به عنوان کالا برای کسب درآمد نگاه شود، شاید گام اصلی برای نابودی ارزش علم در جامعه است. کاری که سوفسطاییان نسبت به واژه سوفیست کردند. در یونان باستان سوفسطاها با آموزش فن جدل و خطابه، کسب درآمد می‌کردند. اینکه چه چیز آموزش می‌دادند و آیا مناسب جامعه آن روز بوده یا خیر، مرکز توجه ما نیست. آن‌ها به درستی و صدق و کذب ادعا کاری نداشتند بلکه تنها می‌خواستند به شاگردان‌شان آموزش دهند که چطور باید در مناظره‌ها به هر صورت ممکن، حریف را مغلوب کرد. در واقع همین افراط‌کاری‌ها بود که معنای اصلی سوفیست، در عنوان فرد استاد و هوشمند را کم‌رنگ کرد و سوفسطایی را معادل بی‌صدافتی فکری کرد. حال و وضع نظام آموزشی ما این روزها شبیه چنین وضعیتی است که می‌رود واژه علم و آموزش را از ارزش تهی کند. این فلسفیم یا تئیل کاری که متأسفانه در دوران مدرسه به آن در قالب موسسات کتوری متعدد بها داده می‌شود. در آموزش عالی کشور به نوع دیگری جلوه کرده است و آن توسعه بی‌رویه موسسات دانشگاهی در قالب بنگاه‌های ثروت آفرین و گرایش به خصوصی‌سازی برای درآمدزایی است. پیامد اولیه این روند ضمن افزایش نابرابری در آموزش، بی‌کیفیتی است که حتی اطلاق واژه توسعه به این روند، خیانت به این مفهوم است. سرآغاز این روند در حوزه علوم انسانی شکل گرفت و با عبور از رشته‌های مهندسی- فنی، امروز نوبت به رشته‌های علوم پزشکی رسیده است. با توجه به کم‌هزینه بودن ساخت مراکز آموزشی و تأسیس رشته‌های انسانی، این رشته‌ها در آغاز بیشترین میزان جذب دانشجو را داشتند. توسعه بی‌رویه واحدهای دانشگاه آزاد، پیام نور، علمی‌کاربردی، غیر انتفاعی و پردیس‌ها با اغلب بر گام نخست، موجب توسعه کمی رشته‌های انسانی شکل گرفت. در نتیجه امروز شاهد موج فارغ‌التحصیلان بی‌کار این رشته‌ها به ویژه در مقاطع ارشد و دکتری در کشور هستیم به‌گونه‌ای که امروز حتی بازار کار بهیئت علمی این رشته‌ها در آینده نزدیک با توجه به کمبود متقاضی در این رشته‌ها با خطر مواجه است. در این شرایط هم باز با تأسیس کدرشته‌های جدید انسانی مواجه هستیم. به عنوان نمونه در رشته علوم سیاسی شاهد شکل‌گیری انواع گرایش‌ها در تحصیلات تکمیلی هستیم. در حالی که ضروری است دانشگاه‌های این رشته‌ها یک دوره آموزش حضوری در منطقه مورد مطالعه خود داشته باشند. بنده به عنوان یک محصل رشته حقوق ابراز می‌دارم در دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی تهران بررسی وضعیت سیاسی در فلان بخش از قاره آفریقا صرفاً در پشت یک میز با چند جلد کتاب و یک لیوان آب پرتقال صورت می‌گیرد. با این حال توسعه درآمدزایی به‌تدریج رشته‌های مهندسی- فنی را شامل شد و این وضعیت اکنون به حوزه علوم پزشکی نیز تسری پیدا کرده است. اخیراً ابلاغ آیین‌نامه و دستورالعمل اجرایی نحوه مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی علوم پزشکی، اعتراض محصلین این رشته‌ها را در پی داشته است. اینکه عده‌ای بدون توانایی و مهارت و به صرف تمکن مالی، به این رشته‌ها که اغلب با سلامت و جان انسان‌ها مرتبط هستند، ورود پیدا کنند، بزرگ‌ترین عیب است و عیب دیگر نگاه کمی‌گرایانه و افزایش بی‌کاران این رشته‌ها در آینده نزدیک خواهد بود. چه‌بسا با تسبیری از این رشته‌ها در وضعیت کنونی هم با اشباع بازار کار مواجه هستند. استدلال اصلی حامیان خصوصی‌سازی برای پول‌زایی نظام آموزشی یک عذر بدتر از گناه است و آن اینکه، با این اقدام زمینه خروج ارز از کشور و ادامه تحصیل متقاضیان این رشته‌ها در دانشگاه‌های بی‌کیفیت خارج که اغلب تحت تأثیر فرهنگ مقصد قرار می‌گیرند، به ویژه کشورهای اطراف ایران گرفته خواهد شد. این روند به رقابت مخرب در جهت کسب درآمد بین واحدهای آموزشی دولتی نیز منجر شده است. به‌گونه‌ای که برخی مسئولان واحدهای دانشگاه‌های دولتی معتقدند که اگر در دوره پردیس‌ها پذیرش دانشجو نداشته باشند، واحدهای رقیب به ویژه آزاد با جذب متقاضیان، آن‌ها را از این سرمایه بزرگ مالی محروم خواهند کرد. با تأسیس واحدهای خصوصی در حوزه علوم پزشکی این تجربه تلخ بار دیگر تکرار خواهد شد.

\*استاد دانشگاه

نصرت‌الله تاجیک:

## هدف ترامپ در سوریه کنترل بیش از پیش ایران است

سفیر اسبق ایران در اردن تأکید کرد: هدف اصلی ترامپ در اجرای هر دو سناریوی رفتن و ماندن نیروهایش در سوریه، کنترل بیش‌ازپیش ایران و به‌گل نشاندن سیاست خارجی‌اش برای تأمین نظرات مخالفان ایران از جمله بعضی کشورهای عربی است.

به گزارش ایلنا، نصرت‌الله تاجیک به فرمان اول دونالد ترامپ مبنی بر خروج نیروهای نظامی آمریکا از سوریه و سپس تغییر نظر او برای اجرای تدریجی و کند خروج نیروهای آمریکایی از سوریه اشاره کرد و گفت: اولاً یک دلیل عمده صدور فرمان اولیه که کتبی هم شد و به قیمت انتقاد و دلزدگی هم‌پیمانان آمریکا و نیز بی‌اعتمادی بیش‌ازپیش به سیاست‌های آمریکا و حتی استعفا‌ی وزیر دفاع و نماینده‌اش در ائتلاف مبارزه با داعش تمام شد، به روانشناسی، شخصیت، بی‌برنامگی، سردرگمی و اخذ تصمیمات بی‌برنامه و عجولانه ترامپ و وعده‌هایی که او به حامیان‌ش در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ داده بود، بازمی‌گردد.

وی با بیان اینکه شعار اصلی ترامپ، «اول آمریکا» بود و این یعنی، منابع مالی ایالات متحده فقط برای آمریکایی‌ها صرف شود و آمریکا نباید هزینه امنیت دیگر کشورها را پرداخت کند، اظهار کرد: ترامپ معتقد است آمریکا پلیس جهان نیست و نباید به عنوان مسئول تأمین امنیت در هر نقطه جهان نقش‌آفرینی کند و از قضا، ایران باید از این سخن و رویکرد ترامپ استقبال کند چراکه یکی از انتقاداتی که جمهوری اسلامی ایران به آمریکا داشته، آن بوده است که چرا ایالات متحده خودش را متولی جهان می‌داند؟ این دیدلمات پیشین کشورمان ادامه داد: انصراف ترامپ از سخنان اولیه و اینکه همچون موارد دیگر در تصمیم خروج نیروهای آمریکایی تجدیدنظر کرده نیز به انتقادات فراوان و بی‌اعتمادی ناشی از این تصمیم به شخص وی و سیاست‌های آمریکا مخصوصاً در میان کردها و سایر گروه‌ها هست که آمریکا برای بهم ریختن منطقه آنها را تسلیح کرده است!

تاجیک با بیان اینکه خروج از سوریه کار عقلایی و هوشمندانه‌ای برای تحقق وعده‌های ترامپ محسوب می‌شود، خاطرنشان کرد: آمریکا کاری که باید در سوریه انجام می‌داد را انجام داده است و آن برهم زدن زمین بازی و ایجاد آشفتگی هم از نظر میدانی و هم از نظر سیاسی، از طریق تسلیح و آموزش کردها و برخی از گروه‌های عربی مسلح مخالف دولت بشار اسد که در شرق سوریه ساکن شده‌اند.

تاجیک با بیان اینکه به هر صورت هدف اصلی ترامپ در اجرای هر دو سناریوی رفتن و ماندن نیروهایش در سوریه کنترل بیش‌ازپیش ایران و به‌گل نشاندن سیاست خارجی‌اش برای تأمین نظرات مخالفان ایران از جمله بعضی کشورهای عربی است، عنوان کرد: یکی از راهبردهای اصلی

مچ‌گیری یکسان دانست؟ حتی در صورتی که روزنامه‌نگاری مچ‌گیری کند، آیا کار او ایرادی دارد؟ صبح پنجشنبه محمد سلطانی‌فر در بخشی از صحبت‌هایش در نشست صمیمی با فعالان رسانه‌ای استان خراسان شمالی گفت: «کلاس‌های متعددی برای مسئولان برگزار کرده‌ایم چرا که معتقدیم اگر مسئولی از خبرنگاران می‌ترسد و حرفی برای گفتن ندارد به دلیل ناآگاهی است.

شرح در صفحه ۵



درستی و یا نادرستی چنین طرز تفکر و استدلالی کار ندارم؛ این طرز تلقی مسئولان این رژیم است و لذا از همان لحظات اولیه طرح این موضوع فعالیت وسیعی را برای منصرف کردن ترامپ از اجرائی کردن آن آغاز کرد.

سفیر اسبق ایران در اردن با بیان اینکه اولین واکنش نتانیا‌هو پس از دستور ترامپ این بود که ما تمام گزینه‌های خود در سوریه را برای برخورد با ایران محفوظ نگه می‌داریم، یادآور شد: اسرائیلی‌ها در صورت قدرت‌گیری ترکیه در سوریه چندان دغدغه خروج نظامی آمریکا از این کشور را ندارند زیرا امکان تفاهم با ترکیه بیش از ایران است.

وی درباره بازگشایی تعدادی از سفارتخانه‌های کشورهای عربی در سوریه هم گفت: بازگشایی نمایندگی‌های سیاسی چند کشور عربی که احتمالاً با هدایت یا حداقل چراغ سبز آمریکا دست به این اقدام زده‌اند، یک روی سکه است! روی دیگر سکه روش دیگری از مقابله با سیاست‌های ایران در این کشور است.

این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی درباره سفر مایک پمپئو و جان بولتون به هشت کشور غرب آسیا نیز گفت: این یک تقسیم کار بین این دو برای ماله‌کشی اقدامات ترامپ و توجیه کشورهای منطقه در زمینه اقدام بیرون کشیدن نیروهای آمریکایی توسط ترامپ است اما ضربه به هیمنه و آبروی آمریکا در اثر این اقدام ترامپ غیرقابل کتمان است؛ و این سفرها بیشتر برای حفظ ظاهر و نمادین است تا دستاوردی مشخص و قابل اتکا. آمریکا نیرو و امکانات لازم برای تأثیرگذاری میدانی ندارد و اینگونه اقدامات بیشتر

نمایشی و برای حفظ روحیه نیروهای هم‌پیمان است. نمایشی و یا نادرستی چنین طرز تفکر و استدلالی کار ندارم؛ این طرز تلقی مسئولان این رژیم است و لذا از همان لحظات اولیه طرح این موضوع فعالیت وسیعی را برای منصرف کردن ترامپ از اجرائی کردن آن آغاز کرد.

سفیر اسبق ایران در اردن با بیان اینکه اولین واکنش نتانیا‌هو پس از دستور ترامپ این بود که ما تمام گزینه‌های خود در سوریه را برای برخورد با ایران محفوظ نگه می‌داریم، یادآور شد: اسرائیلی‌ها در صورت قدرت‌گیری ترکیه در سوریه چندان دغدغه خروج نظامی آمریکا از این کشور را ندارند زیرا امکان تفاهم با ترکیه بیش از ایران است.

وی درباره بازگشایی تعدادی از سفارتخانه‌های کشورهای عربی در سوریه هم گفت: بازگشایی نمایندگی‌های سیاسی چند کشور عربی که احتمالاً با هدایت یا حداقل چراغ سبز آمریکا دست به این اقدام زده‌اند، یک روی سکه است! روی دیگر سکه روش دیگری از مقابله با سیاست‌های ایران در این کشور است.

این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی درباره سفر مایک پمپئو و جان بولتون به هشت کشور غرب آسیا نیز گفت: این یک تقسیم کار بین این دو برای ماله‌کشی اقدامات ترامپ و توجیه کشورهای منطقه در زمینه اقدام بیرون کشیدن نیروهای آمریکایی توسط ترامپ است اما ضربه به هیمنه و آبروی آمریکا در اثر این اقدام ترامپ غیرقابل کتمان است؛ و این سفرها بیشتر برای حفظ ظاهر و نمادین است تا دستاوردی مشخص و قابل اتکا. آمریکا نیرو و امکانات لازم برای تأثیرگذاری میدانی ندارد و اینگونه اقدامات بیشتر نمایشی و برای حفظ روحیه نیروهای هم‌پیمان است.